

مناطقى كه بيگانگان را در آن راهى نبود

۱۰ مهر ۱۴۰۱ ساعت ۱۵:۳۸

از آنجا كه عشایر غارت را منبع درآمد قانونى مى دانستند، هر بيگانه كه پایش به مناطق قدرت آنان باز مى شد در معرض اين خطر بود كه جز پيراهن، كليه دار و ندارش را به يغما ببرند.

زندگى عشایر به دليل عدم يکجانشىنى، ساخت اجتماعى چندان پيچيده اى نداشت و مهمترين اولويت هاى آن به تأمین غذا و امنيت محدود بود. موضوع حفظ امنيت از بسيارى از عشایر مردانى سواركار و جنگجو ساخته بود؛ از اين رو بيگانگان، به راحتى نمى توانستند به مناطق آنان نفوذ كنند. از سويى تأمین نيازهاى غذايى نيز باعث شده بود تا بسيارى از آنان در زمان قحطى و فقر، به اقداماتى چون غارت متوسل كردند:

«مشكل عشایر پيچيده تر از اين بود، چه اين ها يك پنجم كل سكنه ايران را تشكيل مى دادند و تقريباً در استقلال كامل بسر مى بردند. اين ها به تفنگ هاى جديد مسلح بودند، چندين هزار سوار در اختيار داشتند و در كوهستان هاى موطن خود قدرت جنگى قابل ملاحظه اى بشمار مى آمدند. چون غارت را منبع درآمد قانونى مى دانستند، هر بيگانه كه پایش به مناطق قدرت آنان باز مى شد در معرض اين خطر بود كه جز پيراهن، كليه دار و ندارش را به يغما ببرند. براى اينكه اعضاى هيات را از اين مخاطره مصون بداريم روابطى با مهمترين خان هاى عشایر برقرار كرديم، اما گاه و بيگاه حفظ اين روابط به علت وجود تضاد منافع بين سران عشایر كارى مشكل مى شد و در اثر سياست هاى داخلى پيچيده و در هم و بر هم عشایرى از اثر مى افتاد. نظر بر اين بود كه به عشایر در سرزمين هاى كه براى ما مهم بود مبالغى به عنوان حقوق افتخارى پرداخته شود و آن ها در عوض حمايت اعضاى هيات را در منطقه خود بعهده بگيرند.»

منبع: ويبرت بلوشر، سفرنامه بلوشر، ترجمه كيكاووس جهاندارى، تهران، انتشارات خوارزمى، ۱۳۶۹، ص ۴۲

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/48943/نبود-راهی-بیگانگان-مناطق/>